

هفته نامه الکترونیکی هنری - ورزشی

# دست

# خوهر

شماره ششم (دوره جدید) - چهارشنبه ۲۱ آذر ۱۳۹۷

پرونده ای کوچک و جمع و جور  
برای جدیدترین ساخته اصغر فرهادی

«همه می دانند»

EVERYBODY KNOWS

با یادداشت هایی از:

ایمان آیینه دار

مجتبی اردشیری

فرهاد خالدي نيك

حميد سلجوقي

احمد شاهوند

سيدجواد صفوي

حامد مقدم

نقد و یادداشت

«گرگ بازی»

«بعب، يك عاشقانه»

«می سی سی پی نشسته می میرد»

گزارش اختصاصی

دومین دوره مسابقات جام همدلی رسانه

تولید «مرد ایرلندی» جدیدترین ساخته مارتین اسکورسیزی

+ فهرست نهایی نامزدهای دوازدهمین جشن منتقدان

استودیو سی نت

CINETstudio.ir

سینت

طراح و مشاور پروژه های تبلیغاتی

طراحی و صفحه آرایی

نشریه، کتاب، کاتالوگ

فیلمسازی

تیزر تبلیغاتی، فیلم و عکاسی صنعتی

۰۹۱۲-۲۳۰۴۸۵۱

[www.CinetStudio.ir](http://www.CinetStudio.ir)

[CinetStudio](#)

● روزی که تصمیم گرفتیم مجوز هفته نامه ای با رویکرد هنری - ورزشی را برای شهرمان، جایی که به آن مهر و ارادت داریم، به ثبت برسانیم، چشمانمان فقط پر بود از عشق. مشکلات نبود، سختی ها نبود، گرانی و کمیابی و بعضاً نایابی کاغذ نبود. مدتی گذشت و با هر سختی چند شماره ای منتشر شد و آن هم چاپ خوب با بهترین کاغذ

موجود در بازار. پس از چندی کاغذ گران و بی کیفیت شد. ما دست نگه داشتیم به امید بهبود اوضاع و باز کاغذ گران تر شد. بر آن شدیم در زمانه ای که مردمانش با گوشی های هوشمند، جهانشان را مدیریت می کنند، ما هم، همراه این جریان شویم و با تغییر وضعیت نوع انتشار، بتوانیم هر هفته در کنار تان باشیم تا بیشتر از پیش مهر بورزیم و عشق بیاموزیم.  
● این روزها، همه هشتمین فیلم اصغر فرهادی را به مدد

انتشار در فضای مجازی دیده اند. نقدها و یادداشت های نویسندگان و منتقدان، هم در نشریه های سراسری و هم در شبکه های اجتماعی منتشر شده و اغلب اظهار نظرها مثبت و البته نشان از حضور در جایگاه فیلم های «خوب» و نه «عالی» فرهادی دارد. پرونده کوچک و جمع و جوری برای فیلم «همه می دانند» فراهم کردیم که در صفحات مربوطه می خوانید.

سردبیر

## فهرست مطالب



### گزارش اختصاصی

۴ خاطره بازی اهالی رسانه با توپ پلاستیکی!

برگزاری دومین دوره جام «همدلی رسانه»

● نتایج کامل مسابقات، جداول گروه ها، آمار و ارقام  
● همراه با یادداشت هایی از مجتبی علیمردانی، هومن ناظمی و احمد شاهوند

### پرونده فیلم: «همه می دانند»

۹ یک فیلم محترم اروپایی

یادداشت کوتاه نویسندگان «کوهر دشت»

● شسته رفته با چند غلط دیکته ای! / احمد شاهوند  
● بازی بزرگان / سیدجواد صفوی  
● فاقد پیچیدگی / حامد مقدم  
● یک فیلم محترم اروپایی / حمید سلجوقی  
● در مذمت مقایسه / فرهاد خالدی نیک  
● فرار رو به جلو / مجتبی اردشیری  
● روایت شبه فرهادی / ایمان آیینه دار

۱۲ «درباره الی...» همچنان در صدر

ارزشگذاری آثار اصغر فرهادی به روایت نمودار و جدول ستاره ها

۱۴ مگر کدام فیلم ساز بزرگ، مدام شاهکار ساخته؟

کوتاه از اظهار نظر چند منتقد درجه یک

### نقد و یادداشت

۱۵ کلکسیون از خلاقیت های فنی و فرمی / زرنوش محمدی

نگاهی به نمایش «می سی سی پی نشسته می میرد»

۱۶ گنگ بازی های پارادوکسیکال / مجتبی اردشیری

نگاهی به فیلم «گرگ بازی»

۱۷ جنگ به مفهوم عمیق جنگ / مهدی تیموری

نگاهی به فیلم «بمب، یک عاشقانه»

### گزارش

۱۸ جایی برای پیرمردها «هست»!

روند صفر تا صد تولید «مرد ایرلندی» جدیدترین ساخته اسکورسوزی

۱۹ «مغزهای کوچک زنگ زده» در صدر

فهرست نهایی نامزدهای دوازدهمین جشن منتقدان

طراحی و صفحه آرایی: استودیو سی نت  
وب سایت: GohardashtOnline.ir  
تلگرام: @gohardasht\_weekly  
نشانی: کرج، شهرک بانک کشاورزی، ابن سینا ۱۴،  
مجتمع سپهر، طبقه چهارم، واحد ۸  
تلفن: ۰۲۶۳۴۵۲۹۰۳۵ - ۰۹۱۲۲۳۰۴۸۵۱

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: احمد شاهوند  
سردبیر: زرنوش محمدی  
تحریریه: ایمان آیینه دار، مجتبی اردشیری، مهدی تیموری، فرهاد خالدی نیک، محمدحسین سیفی، حمید سلجوقی، سیدرضا صائمی، سیدجواد صفوی، حامد مقدم  
با تشکر از: مجتبی علیمردانی، هومن ناظمی

هفته نامه الکترونیک هنری - ورزشی  
**کوهر دشت**  
سال سوم - شماره ۶ - چهارشنبه ۲۱ آذر ۱۳۹۷

## گزارش اختصاصی



عکس: آتلیه «گوهر دشت»

گزارش اختصاصی «گوهر دشت» از برگزاری دومین دوره جام «همدلی رسانه»

## خاطره بازی انجمنی رسانه با توپ پلاستیکی!

دومین دوره جام «همدلی رسانه» در قالب مسابقات فوتبال گل کوچک مهر و آبان سال جاری با همکاری اداره کل ورزش و جوانان استان البرز، هیئت فوتبال استان البرز، سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری کرج، سازمان مردم نهاد افق فرهنگ رسانه و پایگاه خبری ۹۰ البرز با حضور دوازده تیم از رسانه های فعال در سه گروه چهار تیمی در زمین اداره کل ورزش و جوانان البرز برگزار شد.

قرعه کشی و گروه بندی مسابقات، دوم مهر به میزبانی اداره کل ورزش و جوانان همراه با برخی از سرپرست های تیم های شرکت کننده به شرح زیر انجام شد:

**گروه یک:** هفته نامه شهرآباد، پایگاه تخصصی سی نت، صداوسیما، روزنامه دنیای هوادار

**گروه دو:** هفته نامه عصر البرز، خانه مطبوعات، هفته نامه صبح البرز، پایگاه خبری ۹۰ البرز

**گروه سه:** پایگاه خبری ورزش و جوانان، رستاخیز خبر، روزنامه ایران، روزنامه قدس.

در روز قرعه کشی همچنین چگونگی رویارویی حریفان در مرحله حذفی به این صورت اعلام شد:

**مرحله یک چهارم نهایی:**

**بازی شماره ۱۹:** تیم اول گروه یک - تیم سوم گروه دو یا سه

**بازی شماره ۲۰:** تیم اول گروه سه - تیم دوم گروه دو

**بازی شماره ۲۱:** تیم اول گروه دو - تیم سوم گروه یک یا گروه سه

**بازی شماره ۲۲:** تیم دوم گروه یک - تیم دوم گروه سه

**مرحله نیمه نهایی:**

**بازی شماره ۲۳:** برنده بازی شماره ۱۹ و برنده بازی شماره ۲۰

**بازی شماره ۲۴:** برنده بازی شماره ۲۱ و برنده بازی شماره ۲۲

**رده بندی:**

بازنده بازی شماره ۲۳ و بازنده بازی شماره ۲۴

**فینال:**

برنده بازی شماره ۲۳ و برنده بازی شماره ۲۴

یک ماهه در روز یکشنبه ۲۷ آبان ماه انجام شد و تیم «صداوسیما» با غلبه بر «عصر البرز» با نتیجه ۵ - ۱ در فینال، قهرمان این رقابت ها شد و تیم «سی نت» هم با پیروزی بر «خانه مطبوعات» در ضربات پنالتی به مقام سوم دست یافت.

### رده بندی:

سی نت ۰ (۲) - (۰) خانه مطبوعات

### فینال:

صداوسیما ۵ - ۱ عصر البرز

جوایز دومین دوره جام همدلی رسانه در حضور منصور بیک وردی (رئیس هیئت فوتبال استان البرز)، اباصلت عابد (عضو هیئت رئیسه هیئت فوتبال استان البرز)، ابراهیم نوروزی فر (رئیس بسیج رسانه استان البرز) به تیم های اول تا سوم و همچنین آقای گل مسابقات اهدا شد.

- ۱ - اداره ورزش / ۷ امتیاز / +۴
- ۲ - روزنامه قدس / ۷ امتیاز / +۴
- ۳ - روزنامه ایران / ۳ امتیاز / ۰
- ۴ - رستاخیز خبر / ۰ امتیاز / -۸

\*\*\*

رقابت های مراحل یک چهارم نهایی و نیمه نهایی روز شنبه ۲۸ مهرماه برگزار شد و نتایج زیر به دست آمد:

### یک چهارم نهایی:

- (۱۹) صداوسیما ۳ - ۰ روزنامه ایران
- (۲۰) اداره ورزش ۰ (۰) - (۱) خانه مطبوعات
- (۲۱) عصر البرز ۰ (۲) - (۱) شهرآباد
- (۲۲) سی نت ۲ - ۰ روزنامه قدس

### نیمه نهایی:

- (۲۳) صداوسیما ۰ (۲) - (۱) خانه مطبوعات
- (۲۴) عصر البرز ۳ - ۰ سی نت

مسابقات رده بندی و فینال هم با وقفه ای

- ۹۰ البرز ۰ - ۲ عصر البرز
- صبح البرز ۰ - ۱ خانه مطبوعات
- ۹۰ البرز ۰ - ۲ خانه مطبوعات
- صبح البرز ۰ - ۰ عصر البرز

### جدول رده بندی:

- ۱ - عصر البرز / ۷ امتیاز / +۳
- ۲ - خانه مطبوعات / ۶ امتیاز / +۲
- ۳ - صبح البرز / ۲ امتیاز / -۱
- ۴ - ۹۰ البرز / ۱ امتیاز / -۴

### گروه سه:

- اداره ورزش ۳ - ۰ رستاخیز خبر
- ایران ۰ - ۲ قدس
- قدس ۳ - ۳ اداره ورزش
- ایران ۳ - ۰ رستاخیز
- رستاخیز ۱ - ۳ قدس
- ایران ۲ - ۳ اداره ورزش

جدول رده بندی:

رقابت های گروهی طی روزهای ۲۲ تا ۲۴ مهر برگزار شد و نتایج زیر به دست آمد:

### گروه یک:

- شهرآباد ۱ - ۳ سی نت
- دنیای هوادار ۰ - ۶ صداوسیما
- صداوسیما ۳ - ۰ شهرآباد
- دنیای هوادار ۰ - ۳ سی نت
- صداوسیما ۰ - ۰ سی نت
- دنیای هوادار ۲ - ۳ شهرآباد

### جدول رده بندی:

- ۱ - صداوسیما / ۷ امتیاز / +۹
- ۲ - سی نت / ۷ امتیاز / +۵
- ۳ - شهرآباد / ۳ امتیاز / -۴
- ۴ - دنیای هوادار / ۰ امتیاز / -۱۰

### گروه دو:

- عصر البرز ۰ - ۱ خانه مطبوعات
- ۹۰ البرز ۳ - ۳ صبح البرز



## آمار و ارقام این دوره از رقابت ها:

- تعداد بازی های انجام شده: ۲۶ مسابقه
- تعداد گل های زده شده در جریان بازی: ۵۶ گل
- میانگین گل های زده شده در هر بازی: ۲/۱۵
- مسابقاتی که به ضربات پنالتی کشیده شد: ۴ بازی

### جدول گلزنان:

|      |                               |
|------|-------------------------------|
| ۸ گل | اتابک علی قلی زاده (صداوسیما) |
| ۷ گل | ایمان قاسمی (سی نت)           |
| ۷ گل | امیر قاسمی (روزنامه قدس)      |
| ۷ گل | فرزین حسن زاده (صداوسیما)     |
| ۵ گل | حسین بهتاش (اداره کل ورزش)    |
| ۵ گل | حامد کریمی (عصر البرز)        |

### رده بندی امتیازی تیم های حاضر در رقابت ها:

| رتیف - نام تیم   | بازی | امتیاز | تفاضل گل |
|------------------|------|--------|----------|
| ۱- صداوسیما      | ۶    | ۱۴     | +۱۶      |
| ۲- سی نت         | ۶    | ۱۱     | +۴       |
| ۳- عصر البرز     | ۶    | ۱۱     | +۲       |
| ۴- خانه مطبوعات  | ۶    | ۹      | +۲       |
| ۵- اداره کل ورزش | ۴    | ۸      | +۴       |
| ۶- روزنامه قدس   | ۴    | ۷      | +۲       |
| ۷- شهرآباد       | ۴    | ۴      | -۴       |
| ۸- روزنامه ایران | ۴    | ۳      | -۳       |
| ۹- صبح البرز     | ۳    | ۲      | -۱       |
| ۱۰- البرز ۹۰     | ۳    | ۱      | -۴       |
| ۱۱- رستاخیز      | ۳    | ۰      | -۸       |
| ۱۲- دنیای هوادار | ۳    | ۰      | -۱۰      |

### بیشترین گل زده:

|           |                |
|-----------|----------------|
| ۱۷ گل زده | ۱) صدا و سیما  |
| ۸ گل زده  | ۲) سی نت       |
| ۸ گل زده  | ۳) روزنامه قدس |
| ۶ گل زده  | ۴) عصر البرز   |

### کمترین گل خورده:

|      |                 |
|------|-----------------|
| ۱ گل | ۱) صداوسیما     |
| ۱ گل | ۲) خانه مطبوعات |
| ۴ گل | ۳) سی نت        |

### کمترین گل زده:

|          |                 |
|----------|-----------------|
| ۱ گل زده | ۱) رستاخیز خبر  |
| ۲ گل زده | ۲) دنیای هوادار |

### بیشترین گل خورده:

|       |                 |
|-------|-----------------|
| ۱۲ گل | ۱) دنیای هوادار |
| ۹ گل  | ۲) رستاخیز خبر  |
| ۸ گل  | ۳) شهرآباد      |
| ۷ گل  | ۴) البرز ۹۰     |



تیم اول: صداوسیما



تیم دوم: عصر البرز



تیم سوم: سی نت



## گپی با برگزار کنندگان مسابقات

## پناهک ای برای نمدلی پیشتر فعالان رسانه ای البرز | مجتبی علیمردانی



خبری ۹۰ البرز، هیئت فوتبال استان البرز، اداره ورزش و جوانان شرق شهرستان کرج، روابط عمومی اداره کل ورزش و جوانان البرز و روابط عمومی و امور بین الملل شهرداری کرج و فست فود پاپیلو با مدیریت داریوش شکری سازمان مردم نهاد افق فرهنگ رسانه را همراهی می کردند

شایان ذکر است اولین دوره این مسابقات در سال ۹۵ به شکل مسابقات چهارجانبه فوتسال برگزار شد که تیم هنرمندان به مقام قهرمانی دست یافت.

رسانه و این بار در رشته ورزشی خاطره انگیز فوتبال گل کوچک شد تا جمعی از فعالان رسانه را به این بهانه گرد هم آورد.

این مسابقات پس از رقابت ۱۲ تیم از رسانه های مختلف اعم از صداوسیما، نشریات و پایگاه های خبری به پایان رسید و برترین های آن مشخص شدند.

دومین دوره جام همدلی رسانه استان البرز در قالب ۳ گروه ۴ تیمی به انجام رسید و در نهایت با برگزاری ۲۶ بازی تیم های اول تا سوم این مسابقات معرفی شدند.

در برگزاری این مسابقات پایگاه

مجتبی علیمردانی، نماینده سازمان مردم نهاد «افق فرهنگ رسانه» که متولی برگزاری دومین دوره جام همدلی رسانه بود، پیرامون برگزاری رقابت ها یادداشتی برای ما ارسال کرد که در ادامه با هم می خوانیم:

«در روزهایی که برخی تشکل ها و نهادهای مرتبط با حوزه رسانه به دلیل برخی کم توجهی ها خدماتی را به جامعه رسانه ای البرز ارائه نمی کنند سازمان مردم نهاد «افق فرهنگ رسانه» بانی و مجری برگزاری دومین دوره جام همدلی

## هدف، ترویج ورزشی در بین اصحاب رسانه | هومن ناظمی

با همکاری هیئت فوتبال یک دوره مسابقات فوتسال در بهمن ماه برگزار خواهیم کرد که برنامه ریزی ابتدایی آن انجام شده است.

ناظمی در پایان گفت: هدف از برگزاری چنین مسابقاتی ایجاد ترویج ورزش در بین اصحاب رسانه است و هر ساله با همکاری سازمان مردم نهاد فرهنگ و رسانه چنین مسابقات ورزشی را برگزار خواهیم کرد.

دوستان و اهالی رسانه بایستی این جام را برای رشته های متنوع تر و با امکانات بیشتر توسعه داده و در این راستا کارهای بزرگ تری انجام دهیم.

مدیر پایگاه خبری ۹۰ البرز از برگزاری یک دوره مسابقات فوتسال در بهمن ماه به یاد مرحوم رضا کریمی خبر داد و گفت: با توجه به نزدیک شدن به اولین سالگرد درگذشت رضا کریمی از خبرنگاران ورزشی استان البرز

انگیزه بین اهالی رسانه شد و در کنار کوی های دوستانه رقابت های حساسی بین تیم های شرکت کننده شکل گرفت.

وی ادامه داد: پایگاه خبری ۹۰ البرز نقش کوچکی در برگزاری این مسابقات داشت و امیدواریم در سال های آینده باز هم چنین تورنمنت های ورزشی را برای اهالی فرهنگ و رسانه در استان البرز برگزار کنیم.

ناظمی اظهار کرد: با توجه به درخواست

مدیر پایگاه خبری ۹۰ البرز گفت: همدلی بین رسانه های مختلف در مسابقات گل کوچک مهمترین اتفاق این تورنمنت بود

هومن ناظمی مدیر پایگاه خبری ۹۰ البرز در ارتباط با برگزاری دومین دوره مسابقات جام همدلی گفت: خوشبختانه شاهد مسابقات جذابی در بین اهالی رسانه بودیم و برگزاری این مسابقات باعث افزایش

## یادداشت احمد شاهوند، سرپرست «سی نت» تیم سوم مسابقات

## رفاقت و صمیمیت در دورهمی همدلانگ

توپ پخش کن های این دوره بود. او یک رهبر به تمام معناست.

به بازیکنان تیمم افتخار می کنم و اگر قرار باشد در تورنمنت دیگری به میدان برویم، بی شک با همین بازیکنان بازی خواهیم کرد. سطح برگزاری مسابقات نسبت به گستره استانی آن و در حد و اندازه های بضاعت برگزار کنندگان، قابل قبول بود. امیدوارم بزودی شاهد برگزاری سومین دوره این بازی ها با شکل و شمایل بهتر و منسجم تری باشیم.

نهایی از ناحیه آرنج و کشاله ران بشدت مصدوم شده بود، با جون و دل بازی کرد و از مصدومیت باکی نداشت. جایی از بدنش نبود که آسیب ندیده باشد، اما بهترین نمایش را داشت.

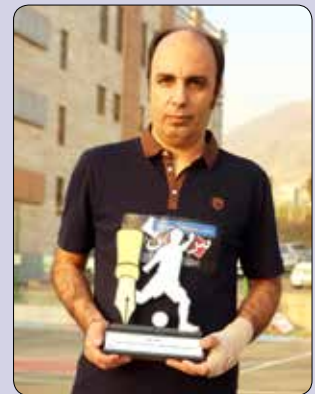
ایمان قاسمی که با ۷ گل در رده دوم جدول گلزنان قرار گرفت و علی رغم درد مچ پایش که از قبل همچنان ادامه داشت، از جان مایه گذاشت، با گل هایش ثابت کرد یک فرصت طلب بالفطره است. یاسین قاسمی، بی شک یکی از بهترین

گل، در لاک دفاعی سه لایه فرو رفت و بازیکنان ما هرچه زدند به در بسته خورد.

در دو ضد حمله هم دو گل دیگر دریافت کردیم و نتوانستیم به فینال برویم.

در بازی رده بندی هم علی رغم برتری محسوس نسبت به تیم «خانه مطبوعات» کار به ضربات پنالتی کشیده شد که بچه ها هر دو ضربه را گل کردند و سوم شدیم.

بازیکنان ما عالی بودند. برادرم، وحید شاهوند که در بازی مرحله یک چهارم



سه دقیقه مانده به پایان مسابقه نیمه نهایی در یک غافلگیری گل اول را خوردیم. تیم حریف بعد از به ثمر رساندن

## پرونده یک فیلم



A FILM BY **ASGHAR FARHADI**

JAVIER **BARDEM** PENÉLOPE **CRUZ** AND RICARDO **DARÍN**

*everybody knows*

COOPERATIVE FILMS PRESENTS IN ASSOCIATION WITH MEMENTO FILMS A MEMENTO FILMS PRODUCTION ARGENTINA FILMS AND LUCKY RED PRODUCTION ALSO PRODUCTION WITH FRANCE 3 CINEMA  
DISTRIBUTION BY CANAL+ AND CANAL+ IN ASSOCIATION WITH MEMENTO FILMS DISTRIBUTION, CINEMOVIA 14, INDIE FILMS G. WITH THE SUPPORT OF ICAA, ERMARSES, AND THE PARTICIPATION OF CANAL+ FRANCE TELEVISIONS  
CASTING BY ANASTASIA BAY - JAVIER BARDEM, PENÉLOPE CRUZ AND RICARDO DARÍN "EVERYBODY KNOWS" EDUARDO FERNÁNDEZ BARBARA LENNE INMA CUESTA EL VIKI MANGRÉZ RAMÓN ALARÁ  
CASTING COORDINATOR JUDITH JANDRO LUMIN PRODUCTION DESIGNER DAVID PARRA JA COSTUME DESIGNER ANA LUZANG EDITOR MASSIMO BATTAGLIONI EXECUTIVE PRODUCERS SONIA GRANDI PRODUCED BY CLARA NOTARI WRITTEN BY ANGELICA RUETE  
DIRECTOR OF PHOTOGRAPHY DANIEL FONTAINE PRODUCED BY CAROL BOUTERREZ BRUNO FABRICE EXECUTIVE PRODUCERS DAVIDER SARTORI PRODUCED BY JOSÉ LUIS ALCAÑIZ PRODUCED BY STEFANO MASSERDI EXECUTIVE PRODUCERS ANDREA OCCHIPATI  
EXECUTIVE PRODUCERS ANDREA OCCHIPATI PRODUCED BY ASGHAR FARHADI FOCUS





پرونده ای کوچک و جمع و جور برای جدیدترین ساخته اصغر فرهادی

## «همه می دانند» | EVERYBODY KNOWS

این روزها، همه هشتمین فیلم اصغر فرهادی را به مدد انتشار در فضای مجازی دیده اند. نقدها و یادداشت های نویسندگان و منتقدان، هم در نشریه های سراسری و هم در شبکه های اجتماعی منتشر شده و اغلب اظهار نظرها مثبت و البته نشان از حضور در جایگاه فیلم های «خوب» و نه «عالی» فرهادی دارد. پرونده کوچک و جمع و جوری برای فیلم «همه می دانند» فراهم کردیم که در ادامه با هم می خوانیم:

بخش مسابقه جشنواره کن پذیرفته شد و به عنوان فیلم افتتاحیه به روی پرده رفت. منتقدان جهانی چندان به «همه می دانند» روی خوش نشان ندادند و فیلم در جدول ارزشگذاری منتقدان با میانگین امتیاز ۱/۸ از ۵ در رده های آخر قرار گرفت. در میان منتقدان ایرانی اما نظرها متفاوت و نسبتاً مثبت است که یادداشت های این پرونده گواه آن است.

تصمیمی که پدروآلمودوار را مجبور به قطع همکاری کرد. «فروشنده» ساخته شد و دومین اسکار را هم برای فرهادی به ارمغان آورد. پس از کسب موفقیت های «فروشنده» در سطح ملی و جهانی و اکران موفقیت آمیز آن در ایران، فرهادی بار دیگر پروژه «همه می دانند» را کلید زد و فیلم در سال ۱۳۹۶ در اسپانیا و با خاویر بارد، پنه لویه کروز، ریکاردو دارین و باربارا لنی ساخته شد. اوایل سال ۱۳۹۷ فیلم در

اصغر فرهادی پس از ساخت «گذشته» در فرانسه که در نهایت جایزه بهترین بازیگر زن (برنیس بژو) در جشنواره کن ۲۰۱۳ را به همراه داشت، مشغول نگارش فیلمنامه «همه می دانند» شد. قرار بود فیلم سال ۲۰۱۳ در اسپانیا تولید شود که فرهادی در سفری که نوروز سال ۱۳۹۴ به ایران داشت، به یکباره تصمیم گرفت فیلمی در ایران بسازد و پروژه «همه می دانند» را که پیش از آن «هیچکس نمی داند» بود، به آینده موکول کند.

یادداشت کوتاه نویسندگان «خوهر دشت» برای «همه می دانند»

### یک فیلم محترم اروپایی

پیش می رود. فیلم خسته کننده نیست و به تماشاگر فرصت نزدیک شدن به آدمها و شناخت فضا و روابط را می دهد. معرفی شخصیتها و درگیر کردن هر کدام در گره افکنی اصلی قصه به اندازه است. اصغر فرهادی با دو اسکار در جیب، شرایط سختی برای راضی کردن طیف وسیع طرفداران و مخاطبان جهانی آثار خود دارد و همین مساله شاید باعث شده تا «همه می دانند» بیش از آنکه به عنوان اثری سینمایی، مستقل از آثار دیگر فرهادی دیده شود، مدام با «جدایی» و «فروشنده» سبک و سنگین شود و این در حالی است که فرهادی در همین فیلم آخر هم دغدغه قضاوت های سنجیده و نامربوط آدم ها را دارد. «همه می دانند» شاهکار فرهادی نیست. یک فیلم خوش ساخت در مقیاس سینمای با مخاطب جهانی است و در مقایسه با فیلم «ویکی کریستینا بارسلونا» که از همین زوج بارد - کروز بهره برده، داستان روان تری را با فضای ملموس تری از گرمای اسپانیا بیان می کند. بازی ها و کارگردانی خوبی که مخاطب را یاد «Volver» پدرو آلمودوار می اندازد. حق داریم هنوز از فرهادی متوقع باشیم.



● حامد مقدم  
فاقد پیچیدگی

با یک فیلم ژانر مواجه ایم که کارگردان ایرانی اش در ظاهر، بخوبی از عهده آن برآمده و مطمئناً طبع آزمایی خوش آب و رنگش که از قضا با دقت نظر در تصویر کشیدن ظرافت ها، حال و هوا و آداب و رسوم فرهنگ اسپانیایی همراه شده همانطور که برای تماشاگر اینجایی می تواند جالب به نظر برسد تماشاگر اسپانیایی زبان را هم شگفت زده خواهد کرد. اما همه این تلاش ها زمانی ناکام می ماند که در می یابیم با پیشروی قصه آرام آرام از عمقش کاسته می شود و تماشاگر آشنا با سینمای کارگردان در انتها فیلم را قابل پیش بینی و فاقد پیچیدگی و چند لایه گی آثار متعالی او و همچنین ژانر انتخابی اش می بیند.



● احمد شاهبوند

شسته رفته با چند غلط دیکته ای!

فیلمنامه «همه می دانند» به شدت کلاسیک با نقطه عطف های درست و به جا (دقایق ۳۱ و ۸۲) با تعلیق و غافلگیری مختص سینمای نویسنده اش، نشان از در اوج بودن فرهادی نویسنده دارد. درست است که فیلم به پای شاهکارهای فرهادی و به خصوص «در باره ای...» - با نقاط اوج منحصر بفردش - نمی رسد، اما چیزی از یک اثر شسته رفته و تر و تمیز کم ندارد. گروه بازیگران (شاید نزدیک به ده بازیگر) و در راس آنها خاویر بارد و باربارا لنی همه درجه یک هستند و قابل تحسین. در «همه می دانند» فرهادی نویسنده از فرهادی کارگردان جلو است. جزئیات و ظرافت هایی که در شکل روایت قصه وجود دارد، در کارگردانی فرهادی کمتر به چشم می آید. دوربین در «همه می دانند» کاملاً بلا تکلیف است. فیلم پر است از نماهای روی دست که اکثری بی کار کرد و بی تعریف هستند و در برخی موارد معدود حتی سرسام آور. نماهای ثابت و درجه یک عنوان بندی، در طول فیلم، کمتر تکرار می شوند. همچنین قرارگیری غلط دوربین در دو سه نما که تا حدی کارگردانی فرهادی را زیر سوال می برد. به عنوان مثال، پاکو سر قرار می رود. در یک نما دوربین از داخل اتومبیل پاکو را که بالای پل ایستاده، قاب می گیرد.



● سید جواد صفوی  
بازی بزرگان

روایت داستانی در «همه می دانند» بدون لکنت و به دور از هر گونه ادا و پیچیده گویی

● نویسنده و کارگردان:

اصغر فرهادی

● بازیگران:

خاویر بارد (پاکو)

پنه لویه کروز (لائورا)

ریکاردو دارین (آلخاندرو، همسر لائورا)

باربارا لنی (بنا، همسر پاکو)

ادواردو فرناندز (فرناندو، شوهر خواهر لائورا)

اینما کوئستا (انا، خواهر کوچک لائورا)

الویرا مینگوئر (ماریا، خواهر بزرگ لائورا)

رامون بارنا (آنتونیو، پدر لائورا)

خوزه آنخل آگیدو (خورخه، پلیس بازنشسته)

سارا سالومو (روسیو، دختر فرناندو و ماریانا)

کارلا کامپا (ایرنه، دختر لائورا)

● مدیر فیلمبرداری:

خوزه لوئیس آلکاینه

● تدوین:

هایده صفی یاری

● موسیقی:

خاویر لیمون

● تهیه کننده:

الکساندر ماله گی، آوارو لونگوریا

● خلاصه داستان:

لائورا (پنه لویه کروز) که در بوینس آیرس (آرژانتین) زندگی می کند، همراه با دختر و پسر کوچکش به روستای پدری اش در اسپانیا می آید تا در جشن عروسی خواهر کوچکترش شرکت کند. در شب عروسی، دختر لائورا ناپدید می شود و ...



### ● مجتبی اردشیری فرار رو به جلو

فرهادی پس از پایه گذاری اشل نوین ساختاری تئاتیک در «در باره الی»، در «جدایی نادر از سیمین» به تکرار رنگ

و رفته همان متد پرداخت و نتیجه گرفت، در «گذشته»، دانای کل را به فردیت تقلیل داد و در «فروشنده»، از حجم تعلیق سینمای خود کاست و روایتی خطی از یک دغدغه درونی شده را به تصویر کشید. در واقع فرهادی با پیمودن مسیر آزمون و خطا، قدم در گود «همه می دانند» گذاشت و رجعتی آگاهانه به «در باره الی» را تجربه کرد. فیلمی که در گام نخست اصلا به مخاطبش نمی فهماند که یک غیر اسپانیایی آن را ساخته. غور در فرهنگ میهنی اسپانیایی یکی از مفاخر این فیلم است. فرهادی در فیلمنامه نویسی به تسلط ویژه ای رسیده. مهندسی دیالوگ ها و طراحی فضاسازی های غیر قابل دسترس از جمله ویژگی های شاخص این تبحر است. باین وجود فیلم، در همان پیچی گرفتار شد که فیلم های از این دست به آن مبتلا هستند؛ پایان بندی. فیلمنامه هر چه در یک سوم ابتدایی و میانی، بر پایه پیش زمینه های منطقی روایی حرکت کرد و گاه به شوک کاربردی روی آورد، در فینال، متأثر از سینمای کلاسیک عمل نمود و رویه ای سطحی برای معرفی متهم در نظر گرفت؛ همان اصل ابتدایی «ساکت ترین فرد جمع، متهم است». در واقع فیلم با همان طناب انتظار موجه سطح بالایی که خودش برای مخاطب به وجود می آورد، گرفتار شده و یک پایان غیر حرفه ای و اصطلاحاً «فرار رو به جلو» را برای خود برمیگزیند؛ این فرار رو به جلو، از همان ابتدا به خورد فیلم رفته بود؛ وقتی قرار بر این گذاشته شد که اشل «در باره الی» در «همه می دانند» پیاده شود. با یک فیلم ژانر مواجه ایم که کارگردان ایرانی اش در ظاهر بخوبی از عهده اش برآمده و مطمئناً طبع آزمایی خوش آب و رنگش که از قضا با دقت نظر در به تصویر کشیدن ظرافت ها، حال و هوا و آداب و رسوم فرهنگ اسپانیایی همراه شده همانطور که برای تماشاگر اینجایی می تواند جالب به نظر برسد تماشاگر اسپانیایی زبان را هم شگفت زده خواهد کرد. اما همه این تلاش ها زمانی ناکام می ماند که در می یابیم با پیشروی قصه آرام آرام از عمقش کاسته می شود و تماشاگر آشنا با سینمای کارگردان در انتها فیلم را قابل پیش بینی و فاقد پیچیدگی و چند لایه گی آثار متعالی او و همچنین ژانر انتخابی اش می بیند.



### ● فرهاد خالدی در مذمت مقایسه

ایرادی بر فرهادی وارد نیست، اشکال از ماست که مدام با پیش داوری و قضاوت قبلی به تماشای آثارش می

نشینیم. آثاری که هر بار به نوعی مساله «قضاوت» را طرح کرده و چالش شخصیت ها با مساله قضاوت را به تصویر می کشند. اشکال از ماست که وقتی به تماشای اثر تازه ای از فرهاد می نشینیم، مدام در حال مقایسه این اثر با آثار قبلی فیلمساز هستیم و بدین ترتیب خود را از لذت کشف و غرق شدن در دنیای تازه ی پیش رو محروم می کنیم. شاید به همین خاطر است که سکانس های ابتدایی «همه می دانند» ناخودآگاه ما را یاد «در باره الی» می اندازد. همان فضاسازی شاد و سرخوشانه و حال و هوای شوخ و شنگ که خوب می دانیم دیری نخواهد پایید. با دزدیده شدن دخترک که غیبت ناگهانی الی را در ذهن متبادر می کند، بیش از پیش در مقام مقایسه برمی آئیم و تماشای شاهکاری دیگر را به انتظار می نشینیم. انتظاری که نه تنها بر آورده نمی شود بلکه هر چه از مدت زمان فیلم می گذرد ما را به سمت ناامیدی سوق می دهد. گره افکنی ها و گشوده شدن گره ها، آنچنان که باید میخکوبمان نمی کند و تعلیق هیجان انگیز ابتدایی فیلم جای خود را به سکون و یکنواختی انتهایی می دهد. با پایان فیلم، دیگر ادامه ای در کار نیست و قصه فیلم در ذهنمان تداوم نمی یابد.

با این وجود همانطور که پیش تر آمد اشکال از ماست که با پیش داوری به تماشای فیلم های فرهادی می نشینیم و گرنه «همه می دانند» به لحاظ کارگردانی، گامی بزرگ در کارنامه فرهادی محسوب می شود. فیلمساز ایرانی نامداری که به خوبی از پس هدایت بازیگران سرشناس و عوامل اسپانیایی زبان برآمده و فیلمی به تمام معنا اسپانیایی و سرشار از نمادهای فرهنگی این کشور را کارگردانی کرده است. کارگردان بزرگی که با این فیلم بین المللی، افق های تازه ای را پیش روی خویش گشوده می بیند و همچنان کنجکاوای برانگیز می نماید.



### ● حمید سلجوقی یک فیلم محترم اروپایی

[ نکته: این یادداشت بخشی از داستان فیلم را افشای می کند ]

تریلر جنایی «همه می دانند» یک فیلم

محترم اروپایی ست از فرهادی که کماکان سینمایی که پیش رویمان می گذارد تعلیق خودش را دارد، کارگردانی منسجم و آگاه به همه ی ابعاد بصری یک فیلم دارد، جزئیات را در قصه پردازی خشت به خشت تراز شده روی هم می چیند و البته که جایی که پای فرهادی در میان باشد بازی ها هم واویلا ست. از بازی خاور باردم که در آن صحنه ی رفتن سر قرار به اوج می رسد تا بازی کنترل شده ی کروز و البته ریکاردو دارین در آن فصل گفتگو با پاکو...

حالا ما فیلمسازی داریم که لم فیلم ساختن در سینمای اروپا دستش آمده و باید از این به بعدش را امیدوار بود. بیشترین مسئله ام با «همه می دانند» برمی گردد به شروع و پایانش. در شروع، آن نماهایی که از بریدن تکه روزنامه ها با تیتتر مشخص برآیم روشن می کنند طوفان بعد از آرامشی که قرار است سی و یک دقیقه بعد ببینیم چیست [ که البته تیم فیلمسازی آن تیترها را در زیر نویسش نیآورده، او پایان؛ آن پلان نمی دانم به چه اصرار در دلد مادر مستأصل از پی بردن به حقیقت تلخ با فرناندوی آن طور که از قصه برمی آید «پسر عاقل خانواده»!.

این وسط «بحران» هم به هفت جانی بحران فیلم های قبلی فرهادی نیست. آن جایی که بحران در نقطه ی عطف دوم فیلم (اگر به سه تکه تقسیم شان کنیم چون روایت ها در فیلم هایش معمولاً سه پرده ای اند) روی دیگری از آدم های قصه را به ما می نمایاند یا گذشته را نقب می زد و در کل اتفاق یا موقعیت بحرانی دستاویزی بود برای روبرو شدن با کشمکش های درونی یا اخلاقی و احساسی آدم های قصه، اما در «همه می دانند» آن اتفاق در حد یک چالش معمایی - پلیسی مانده که سر آخر هم به سادگی جمع می شود. منظوم این است قبلاً آن اتفاق، شعله ی آتش یک کبریت بود و فقط استارت ادامه را می زد اما اینجا، اصل شده خود اتفاق.

یادم نرود بگویم که توجیه «همه می مردم ده دیگه می دونند ایرنه دختر پاکو هست چون اخلاقی شیه اون» را هم به عنوان یک بهانه ی لوس، نمی توانم بپذیرم.



## روایت شبه‌فرهادی

### ● ایمان آیینه دار

شاید وقت آن رسیده باشد که اصغر فرهادی، فاصله بین فیلم‌های خود را بیشتر کرده و برای رفتن پشت ویزور دوربین، عجله نکند.



آنچه بیش از پیش فیلم اسپانیایی فرهادی را تجربه‌ای ناموفق و نه‌چندان خوش‌ساخت در کارنامه فیلم‌سازی او جلوه می‌دهد، در درجه اول فرم روایی آن است؛ به عبارتی دیگر این بار فیلم‌ساز توانا و بین‌المللی سینمای ایران، ترجیح داده در تصویر، خیلی افسارگسیخته به شرق و غرب داستان ورود پیدا کند و روایتی مبتنی بر روایت دانای کل شکل دهد. این نکته باعث شده برخلاف روایت‌های نفس‌گیر و همراهی قدم‌به‌قدم و تعلیق آمیز مخاطب با شخصیت‌های قصه در آثار قبلی، مخاطب عادت کرده به جنس سینمای او مرتباً از کاراکترهای «همه می‌دانند» و همچنین کاراکترها نسبت به یکدیگر در دانستن اطلاعات داستان جلو بیفتند. این قضیه مشخصاً جایی که همسر پاکو (بنا با بازی باربارا لینی) به سراغ لائورا (با نقش آفرینی پنه لویه کروز) می‌آید و زن به‌هم‌ریخته را تهدید می‌کند که دست به افشاگری راز بین او و پاکو نزد شوهرش خواهد زد، خیلی توی ذوق مخاطب می‌زند و به روایتگری آشنای فرهادی نمی‌چسبد.

در اینجا هم مخاطب با همان تکنیک «پنهان کاری در روایت» که از شگردهای ناب فرهادی برای خلق معما محسوب می‌شود، روبروست اما مشکل اینجاست که با یک گره‌گشایی ساده و چرخش غیر فرهادی وار دوربین به سمت دزدهای خانگی، هسته مرکزی گروگان‌گیری خیلی راحت رنگ می‌بازد و بدین ترتیب ایده ناظر بر اثر فرم پیدانمی‌کند. منهای این گره‌گشایی خام‌دستانه و قطعی، پنهان کاری غیر روایی و مصنوعی

درست پیش از لحظه‌ای اوج رویارویی پدر با دختر گمشده پس از آگاه شدن بر رازی که همه می‌دانند، اجازه نمی‌دهد فیلم از یک ملودرام سرگرم‌کننده فراتر رود و پایان‌بندی آن را هم بی‌تأثیر ساخته است. در واقع لحظه‌ای که پاکو (با هنرنمایی خاویر بارد و به‌زعم نگارنده این سطور، قوی‌ترین شخصیت فیلم‌نامه) در دقیقه ۱۱۵ فیلم با کیف پول حاصل از فروش مزرعه، به سراغ گروگان‌گیرها می‌رود تا ایرنه (الی نوجوان شده) را پس بگیرد، فارغ از نامبندی نامتناسب در لحظه‌ای که مرد بیرون از ماشین در حال فریاد زدن است و دوربین داخل ماشین قرار گرفته به گونه‌ای که به نظر می‌آید کسی در حال دید زدن آن مرد به‌عنوان ابژه است و حال آنکه کسی داخل ماشین نیست و این نمای موزیانه کاملاً غلط‌انداز است، به فرمان کارگردان وارد جنگل می‌شود تا دختر دست‌وپا بسته، پنهان از چشمان او و مخاطب، از آسمان به داخل ماشین نازل شود! لذا این صحنه‌ی به‌اصطلاح اوج، تأثیرگذاری خود را به دلیل فقدان باورپذیری، از دست می‌دهد. این عدم باورپذیری، از ناهماهنگی روایت فیلم‌نامه و روایت بصری ناشی می‌شود. در نظر بگیرد صحنه‌هایی از فیلم‌نامه را که گرداننده صحنه (به‌عنوان فاعل) از آن‌ها خارج می‌شود اما داخل قاب، دوربین همچنان در غیاب راوی، روی آن صحنه متوقف مانده درحالی‌که راوی خارج از قاب است و منطقی ندارد که دوربین با بقیه کاراکترهای صحنه بماند؛ این قضیه مکرراً در فیلم اتفاق می‌افتد؛ مثلاً صحنه‌ای که با تعقیب کردن لائورا از پشت سر، آغاز می‌شود و به خداحافظی کردن با پسر و عروس خواهرش می‌رسد، زن با خروج از سمت راست قاب، وارد اتاق می‌شود اما دوربین با مکتبی نادرست، همچنان در حال نمایش دادن مراسم بدرقه آن زوج است! اگرچه در

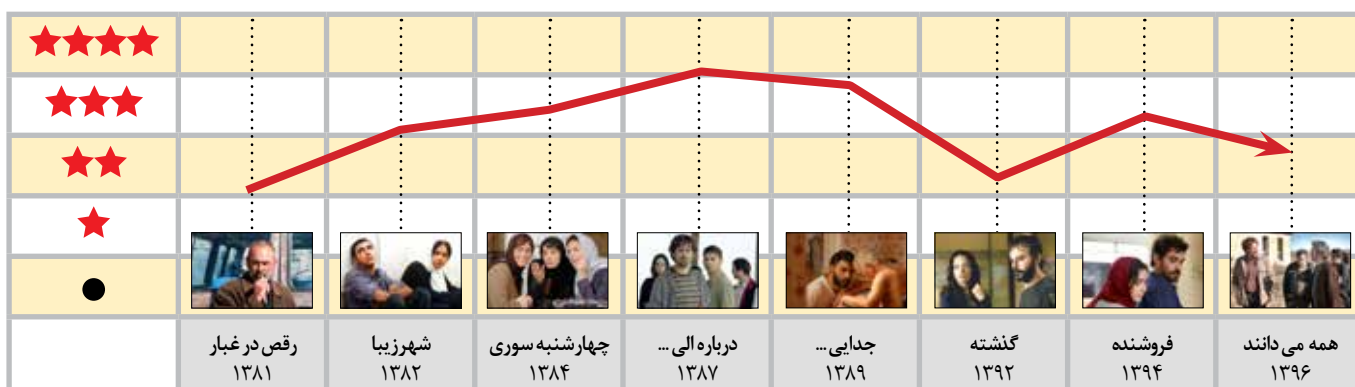
نمای بعدی با یک جامپ کات به صحنه اتاق، لائورا را می‌بینیم که از منظر روایت بصری، کاتِ درستی است. ولیکن در مجموع، نوعی بلا تکلیفی در تعریف مختصات راوی برخی صحنه‌ها به چشم می‌خورد و خبری از ظرافت‌های روایی فیلمی چون «درباره‌الی...» نیست؛ مثل جایی که باز پرس بازنشسته (خورخه) و لائورا دور از چشم دیگران و در خلوت، به صحبت مشغول‌اند اما ناگهان دوربین خوزه لوئیز آلکاین، آن دو کاراکتر را که مخاطب بیشتر کنجکاو شنیدن صحبت آن‌هاست، رها می‌کند و بی‌جهت و با تخطی از پرداختی رئالیستیک (واقع‌گرایانه) از سوی فیلم‌ساز، به داخل آشپزخانه می‌آید. این مدل دکوپاژ مثل آن می‌ماند که در مکالمه سپیده و نامزد الی در صحنه اوج و بازجویانه «درباره‌الی»، کارگردان فرضاً تصمیم بگیرد کات بزند و جمع ویلا را نشان دهد و دوباره به آن صحنه مهم بازگردد. پرواضح است که اصغر فرهادی از روی آن فیلم شاهکارش کپی کرده است و شاید می‌شد اسم فیلم را «درباره ایرنه...» گذاشت! اما نکته اینجاست که «همه می‌دانند» شباهتی به سبک سینمای فرهادی ندارد بلکه فیلم‌ساز خمینی‌شهری با تغییر دادن شکل روایت، «درباره‌الی...» را با اجرایی متوسط بازسازی کرده است؛ هم در تم و ساختار و هم در رویکرد اخلاقی و رفتار شناسانه‌ای که پس از نقطه عطف اول در دقیقه ۳۰ (دزدیده شدن دختر) در رابطه با کاراکترهای قصه دنبال می‌کند.

ذکر این نکته ضروری است که هر کارگردانی حق دارد به بازسازی فیلم خود در کشوری دیگر بپردازد به شرط آنکه از روی دست خودش کپی نکند و سبک منحصر به فردش را فدای دوباره‌سازی نعل به نعل نکند در غیر این صورت، همان یک نسخه کالی ست و حیف است که از بکری دریابید.



## آثار اصغر فرهادی به روایت نمودار و جدول ستاره‌ها «در باره‌الی...» همچنان در صدر

● بی ارزش    ★ متوسط    ★★ خوب    ★★★ خیلی خوب    ★★★★★ عالی



| نویسنده / فیلم        | همه می‌دانند | فروشنده     | گذشته     | جدایی ...   | در باره‌الی ... | چهارشنبه سوری | شهر زیبا    | رقص در غبار |
|-----------------------|--------------|-------------|-----------|-------------|-----------------|---------------|-------------|-------------|
| ایمان آیینه‌دار       | ★            | ★★★★        | ★★        | ★★★★★       | ★★★★★           | ★★★           | ★★          | ★           |
| مجتبی اردشیری         | ★★           | ★★★         | ★★        | ★★★★        | ★★★★            | ★★★           | ★★          | ★★          |
| مهدی تیموری           | ★★           | ★★          | ★★        | ★★★★        | ★★★★            | ★★★           | ★★          | ★           |
| فرهاد خالدي           | ★★★          | ★★★         | ★★        | ★★★★        | ★★★★            | ★★★★          | ★★★         | ★★          |
| حمید سلجوقی           | ★★           | ★★          | ★         | ★★          | ★★★★            | ★★★★          | ★★★★★       | ★★          |
| احمد شاهوند           | ★★           | ★★          | ★★        | ★★★★        | ★★★★            | ★★★★          | ★★          | ★★          |
| سیدرضا صائمی          | ★★★★         | ★★          | ★         | ★★★★★       | ★★★★★           | ★★★★          | ★★          | ★★          |
| سیدجواد صفوی          | ★★★★         | ★★★★        | ★★★★      | ★★★★★       | ★★★★            | ★★★★          | ★★★★        | ★★          |
| زرنوش محمدی           | ★★★★         | ★★★★        | ★★        | ★★★★★       | ★★★★★           | ★★            | ★★          | ★★          |
| حامد مقدم             | ★★           | ★★          | ★★        | ★★★★        | ★★★★            | ★★            | ★★          | ★★          |
| <b>مجموع امتیازها</b> | <b>۲۲</b>    | <b>۲۴/۵</b> | <b>۱۸</b> | <b>۳۳/۵</b> | <b>۳۵/۵</b>     | <b>۲۷/۵</b>   | <b>۲۴/۵</b> | <b>۱۵</b>   |



## کوتاه از اظهار نظر چند منتقد درجه یک | مگر کدام فیلم ساز بزرگ، مدام شاهکار ساخته؟

### ● نزهت بادی

... «همه می دانند» فیلمی معمولی از یک فیلمساز جهانی است و آن چنان که انتظار داریم، شگفت زده مان نمی کند و به وجدمان نمی آورد. همه چیز درست و سر جایش قرار دارد اما چنان در مسیر آشنایی قدم برمی داریم که تمام رویدادها برایمان قابل پیش بینی است و هیچ اتفاقی غیرمنتظره به نظر نمی رسد. اینجا هم با همان پلات معمایی فرهادی مبتنی بر یک راز مواجه هستیم و یک اتفاق تلخ بهانه ای برای واکوی گذشته و نقب زدن به مسائل پنهانی و ناگفته شخصیتها می شود اما بر خلاف آثار قبلی ماجرای گم شدن دخترک و راز پیرامونش آنقدر تکان دهنده نیست که شخصیتها را در تنگنای پیچیده و دشوار اخلاقی قرار دهد و به محاکات انسان امروزی در زمینه حق و انا انتخابها و مسئولیت هایش منجر شود.

### ● نیما حسینی نسب

نه! این بار هم نشد؛ «همه میدانند» هم توقع من را از سازنده سه فیلم درجه یک سینمای ایران و جهان در دهه هشتاد شمس برآورده نمیکند. در غیاب زیرمتن های قدر و پیچیده که قصه های با ظاهر معمایی فرهادی را فربه می کرد و در فقدان یا نقصان دیدگاه اجتماعی سیاسی و تجربه زیسته در تاریخ و جغرافیای روایت، حالا فیلم تازه اش چیزی جز محصولی کش آمده و سرهم شده با پلات آشنا و تکراری سریال های ترکی محبوب روز نیست که قصه ای لاغرتر و آشفته تر و کم پیچ و تاب تر با اجرایی تر و تمیزتر دارد ...

### ● مهرزاد دانش

«همه می دانند»، یک شروع عالی، یک تداوم پر تعلیق، یک کارگردانی متوازن، بازی هایی چشمگیر، ضرباهنگی پویا، چند گره افکنی به جا، و البته یک پایان بندی نه چندان متناسب با توقع برآمده از خود فیلم دارد. «صغرفرهادی»، دیگر یک سینماگر هموطن با جهان است.

### ● شاهرخ دولکو

آخرین ساخته اصغر فرهادی دقیقا همان چیزی است که از او انتظار می رود: فیلمی به شدت پرداخت شده، دقیق، فکر شده، جذاب، عمیق و کامل. از هر جهت. یکی از بهترین ساخته های او که اگر چه همچنان به پای بهترین فیلم های ایرانی اش (درباره الی و جدایی ...) نمی رسد - که آن هم برمی گردد به شناختی که هم او و هم ما از جامعه ی ایرانی داریم - اما حتما جزو بهترین فیلم های چند سال اخیر جهان هست. نقد مفصل قطعا می ماند برای وقتی دیگر. شاید. اما در همین فرصت محدود عرض کنم که جز اشکالات کوچکی در نقاط مختلف فیلم، همه انتظارم از دیدن یک فیلم خوب از فرهادی را برآورده می کند: کارگردانی، فیلمنامه، فیلمبرداری، تدوین و بازی ها (بخصوص خاویر باردیم) همه در بهترین سطح ممکن هستند.

### ● هوشنگ گلکمانی

فعلا، پس از اولین تماشای «همه می دانند»: همچنان معتقدم اصغر فرهادی بلد نیست فیلم بدسازد و مهم تر از همه این که برای اولین بار صاحب فیلم سازی شده ایم که همه، هر بار از او انتظار یک شاهکار را دارند و به کم تر از این هم رضایت نمی دهند. نارضایتی هایی هم که اعلام می شود، از نگاه ناراضیان بابت همین است: چرا فرهادی یک شاهکار دیگر نساخته؟ مگر کدام فیلم ساز بزرگ، مدام شاهکار ساخته؟

### ● وحید فرازان

- فرهادی فیلم دیگری ساخته است و همین مایه خوشحالی است. فیلم سازی که دوستش دارم، به خاطر این که داستان و درام و دیالوگ و کارگردانی را خوب آموخته است و خوب به کار می برد.

- فیلم در حوزه تقدیرگرایی می گذرد. «خدا» به عنوان عنصر اساسی و پنهان در فیلم حضور دارد. پاداش و مجازات این دنیایی؛ این که اعمال ما بومرنگ وار به خودمان برمی گردد.

- زمان فیلم طولانی است، بنابراین تماشاگر خسته از یافتن مقصداصلی، در ده پانزده دقیقه آخر منتظر پایانی تکان دهنده است، که این توقع چندان برآورده نمی شود. حضور پلیس بازنشسته، به عنوان کاتالیزور فیلمنامه، چندان راضی کننده نیست. موتیف «پلیس پرهیزی» فرهادی در فیلم هایش، اشاره او به ناکارآمدی قانون در حل روابط انسانی است؟

- شستشوی همه جا در سکانس آخر به نشانه تطهیر اعمال روستائیان بعد از رفتن خانواده لاثورا، گل درشت است.

### ● خسرو نقیبی

«همه می دانند» ساده به نظر می رسد اما یک فیلم کامل از قصه گویی ست که جهان داستانی اش بیش تر از حرف های فرامتن برای او اهمیت دارد. شاید آغاز یک دوره ی تازه برای فیلم سازی اصغر فرهادی.

«همه می دانند» فیلم ژانر است. یک تریلر تعلیق با آغاز، وسط و پایان مشخص. یک فیلم نامه ی کاملن کلاسیک با ساختار سه پرده ای مبتنی بر قواعد ژانر. این یک فیلم کامل از اصغر فرهادی است. یک تریلر تعلیق. یک فیلم ژانر، با تکیه بر قدرت داستان پردازی این سال های فرهادی؛ و اگر شروع دوره ی تازه ی فیلم سازی او باشد، که در آن بخواهد فقط داستان بگوید بی دغدغه ی آینده ی اجتماع روزگار خود بودن، از آن استقبال می کنم. مگر چند قصه گو به قوت فرهادی در سینمای معاصر داریم که بدمان بیاید اگر تصمیم گرفته باشد «قصه ی خوب» بگوید و «سینما» را به آینده ی اجتماع بودن اولویت داده باشد؟

### ● کریم نیکونظر

... «همه می دانند» به خاطر سبک ناپیدای فرهادی در دکوپاژ، خرد کردن سکانس ها به پلان های ثابت و متحرک و انتخاب جای دوربین که هم اطلاعات می دهد و هم موقعیت «ناظر» خودش را حفظ می کند، کامل ترین اثر اوست ...

## نقد و یادداشت

نگاهی به نمایش «می سی سی پی نشسته می میرد»

# کلکسیونری از خلاقیت های فنی و فرمی

«می سی سی پی نشسته می میرد» کلکسیونری از خلاقیت های فنی و فرمی است، از بازی ها و شکل اجرا و اقتباس عجیب و غریب اش که بگذریم، طراحی دکور، انتخاب موسیقی، استفاده بسیار درست از امکانات سن تالار وحدت و طنز کلامی و موقعیت کمیک و ... همه و همه به شکل گیری اثری در خور توجه کمک کرده و توانسته نظر قریب به اتفاق بینندگان را جلب کند و راضی آن ها را بدرقه کند. پارت تشویق هر شب حضار که دقایق زیادی به طول می انجامید شاهد خوبی بر این مدعاست.



● زرنوش محمدی



از سال ۹۵ که برای اولین بار «می سی سی پی...» به روی صحنه رفت به لطف تبلیغات درست و درمانش شیفته فضای متفاوتش شدم. از اسمش گرفته تا دکور صحنه و گریم بازیگران و تیزرهای جذابش. در سال اول، بنا به دلایلی موفق به دیدن این تئاتر نشدم تا امسال که برای بار دوم با اندکی تغییرات قرار بر اجرای دوباره شد و با وجود تمام مشکلات و گرانی عجیب و غریب بلیط تئاتر در نهایت موفق شدم به تماشای جدیدترین اثر غنی زاده در تالار وحدت بنشینم. حال که بیش از یک ماه از تماشای آن می گذرد و به اندازه کافی در من ته نشین شده، زمان مناسبی است تا چند خطی درباره اش بنویسم.

همایون غنی زاده که نامش در لیست پیشنهادی جستجوی گوگل برای نام های «همایون» در ششمین پله قرار دارد، در «می سی سی پی...» نشان داد که می تواند ملغمه ای بسازد از نمایش نامه دراماتیک فردریش دورنمات. نمایشی سرشار از جذابیت های بصری که از همان ابتدا فرم خاص خودش را در چشمان مخاطب فرو می کند و تا انتها هم به قرارداد هایش متعهد می ماند. «می سی سی پی...» داستان داستانی یهودی به نام آقای می سی سی پی است که قصد دارد به روش خود انسان را مجازات کند. وی که معتقد است فرامین موسی را اجرا می کند، همسر خودش را به جرم خیانت در ازدواج با زهر به قتل رسانده و حالا برای جبران این گناهش به آنستازیا که او هم همسرش را به همین جرم کشته پیشنهاد ازدواج می دهد و آنستازیا هم با وجود دلبستگی اش به فرد دیگری، قبول می کند با داستان ازدواج کند. در «می سی سی پی...» ما شاهد تولید یک فیلم استودیویی هستیم. آقای می سی سی پی بازیگریست که

تهیه کننده کار هم هست و سعی دارد با ساخت این فیلم به روزهای اوج بازیگری اش بازگردد و به واسطه سمتش آنقدر در فیلمنامه و کارگردانی دخالت می کند که حتی قصد دارد سکانس های رقیب عشقی اش را کاملا حذف کند و در سکانس مرگ خودش هم رضایت نمی دهد که بر زمین بیفتد و بمیرد و در نهایت نشسته می میرد. این نمایش که قصد دارد پشت صحنه تولید یک فیلم سینمایی را روایت کند، با حضور سمعی گاه و بیگاه کارگردان و یا حضور لیزر منصوب به وی روی صحنه به سبب بازی گرفتن بهتر از بازیگران و آقای موارد مورد تاییدش و با حضور عوامل پشت صحنه برای جابه جایی دکور و رسیدن به میزاسن های مورد علاقه اش، تحسین برانگیز است و مخاطب را تا انتها میخکوب می کند. نمایشی که اگر بشود آن را «فیلم در تئاتر» نامید، سعی دارد داستان نمایشنامه اصلی که همان ازدواج آقای می سی سی پی است را در حاشیه نگه داشته و در لایه رویی اش به بازیگری تمام آدم ها در زندگی واقعی اشاره کند. در همین راستا، طی زمان نمایش، شاهد هستیم هر کدام از بازیگران جز در نقشی که در فیلم آقای کارگردان دارند، نقش خودشان هم در زندگی ایفا می کنند و روابط خودشان را دارند.

از آقای می سی سی پی با بازی سیامک صفری که روزی کودک فقیری بوده و با پیدا کردن کتابی مسیر زندگی اش تغییر کرده و دادستان بزرگی شده و برخلاف ظاهر غلط اندازش درونش بسیار متلاطم و آسیب پذیر است گرفته تا آنستازیا با نقش آفرینی ویشکا آسایش که در نامه اعمالش هر گونه گناه و اشتباهی را ثبت کرده ولی زنی اغواگر و مورد پسند همه مردان داستان است. ابلوکه که در اجرای دو سال پیش بابک حمیدیان و در اجرای جدید بهرام افشاری نقشش را به شایستگی هر چه تمام تر ایفا می کند، پزشک جوانی است که دلباخته

آنستازیاست و با سم هایی به شمایل قند او را به کشتن شوهرش تحریک کرده و به جزیره ای ناشناخته فرار کرده، حال که پس از مدت ها به عشق بازپس گیری آنستازیا برگشته در مرگ دختر بچه ای که سر صحنه فیلم آقای کارگردان، سهوا با شلیک گلوله جان می بازد، تا سر حد مرگ مشروب می خورد و عذابداری می کند. دیه گوی وزیر با بازی سجاد افشاریان که به طرز خارق العاده ای به فرم دیوانه بازی کلیت اثر سنجاق شده است، تنها کسی است که از داستان های پشت پرده دادستان باخبر است و می خواهد راز هایش را برملا کند و با آنستازیا نیز رابطه عاشقانه دارد. و لئون که نقشش را خود غنی زاده بازی می کند، از دید همگان محافظ آقای می سی سی پی است و در واقع عاشق و دلباخته زن آقای می سی سی پی است ولی برای رسیدن به معشوق حاضر نمی شود می سی سی پی را از میان بردارد.

در آخر هم سن کلود با هنرنمایی داریوش موفق که او هم از بچگی با می سی سی پی آشنا است، از اعضای ارشد عضو کمونیست است و تحت هر شرایطی به دنبال منافع سیاسی خودش است. چه در فیلم آقای کارگردان چه در روایت آقای می سی سی پی...

«می سی سی پی نشسته می میرد» کلکسیون از خلاقیت های فنی و فرمی است، از بازی ها و شکل اجرا و اقتباس عجیب و غریب اش که بگذریم، طراحی دکور، انتخاب موسیقی، استفاده بسیار درست از امکانات سن تالار وحدت و طنز کلامی و موقعیت کمیک و ... همه و همه به شکل گیری اثری در خور توجه کمک کرده و توانسته نظر قریب به اتفاق بینندگان را جلب کند و راضی آن ها را بدرقه کند.

پارت تشویق هر شب حضار که دقایق زیادی به طول می انجامید شاهد خوبی بر این مدعاست.

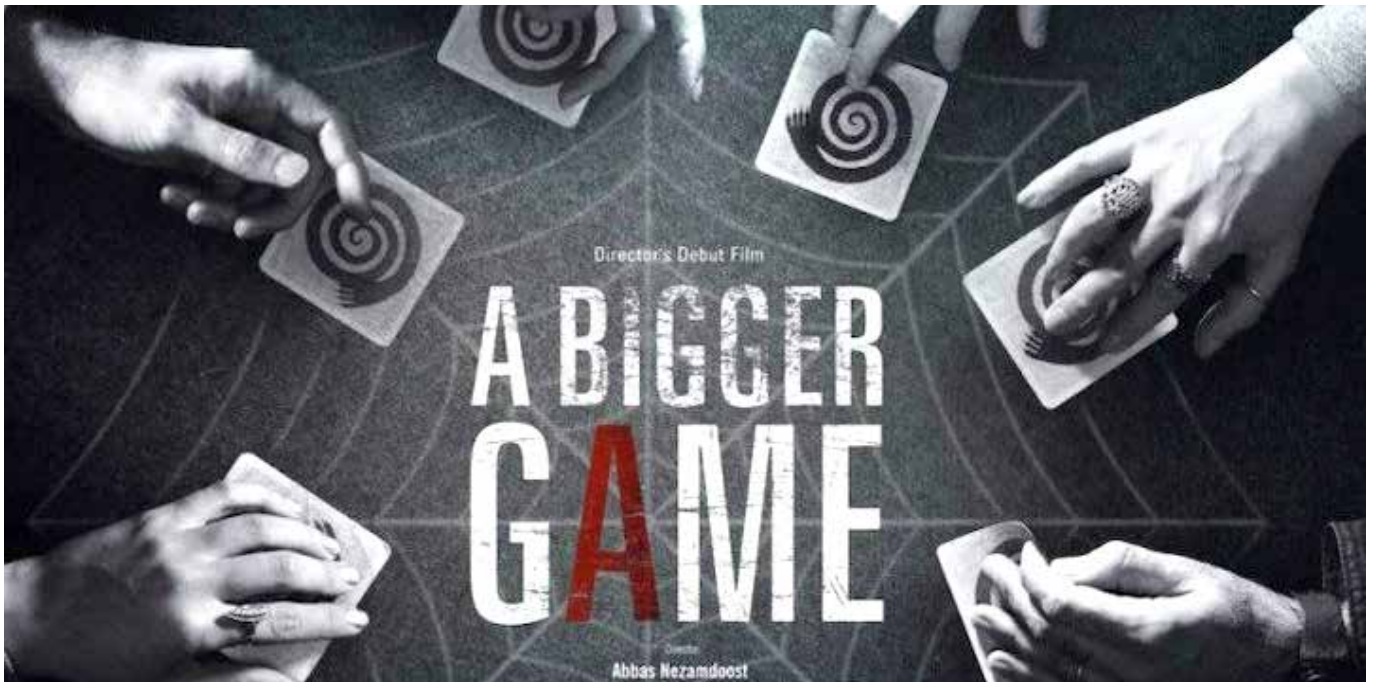
درباره همایون غنی زاده | متخصص، وارد می شوک...



همایون غنی زاده کارگردانی است که تجربه های متفاوت در کارنامه کاری خود دارد. جوان ۳۸ ساله ای که از ۱۹ سالگی فعالیت خود را در زمینه تئاتر با تأسیس گروه هنری مونگو شروع کرد و تاکنون بیش از ۸ اثر نمایشی را به روی صحنه برده است. از میان نمایش های همایون غنی زاده، دو نمایش «می سی سی پی نشسته می میرد» و «کالیگولا» با استقبال خاص مخاطبان تئاتر مواجه شدند. «کالیگولا» در سال ۹۴ رکورد فروش را در اختیار داشت و پس از آن در سال ۹۵ نمایش «می سی سی پی نشسته می میرد» با استقبال عجیب

روبرو شد و رکورد فروش تئاتر در ایران را از آن خود کرد. وی علاوه بر جایزه بهترین کارگردانی برای نمایش «دالوس و ایکاروس» از بیست و پنجمین جشنواره تئاتر فجر، برای نمایش «می سی سی پی نشسته می میرد» از شانزدهمین جشن انجمن منتقدان و نویسندگان خانه تئاتر برگزیده بهترین نمایش سال ۹۵ شده است. غنی زاده که در اولین تجربه بازیگری سینمایی در فیلم «ژدها وارد می شود» مانی حقیقی حضور داشت با این فیلم در بخش مسابقه شصت و ششمین جشنواره فیلم برلین شرکت کرد و همچنین نامزد بهترین بازیگر نقش مکمل از انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران برای این فیلم شد. از دیگر آثاری که وی به روی صحنه برده

می توان به نمایش های آگامنون، آنتیگونه (۱۳۸۵) و (۱۳۹۱) (محصول مشترک ایران و استونی)، پادشاه می میرد (۱۳۹۲) (محصول مشترک ایران و استونی)، ددالوس و ایکاروس (۱۳۹۱)، در انتظار گودو (۱۳۹۲)، ملکه زیبایی لی نین (۱۳۹۲)، کالیگولا (۱۳۹۴)، و می سی سی پی نشسته می میرد (۱۳۹۵) و (۱۳۹۷) و آژاکس و گزارش یک خودکشی (۱۳۹۵) (محصول مشترک ایران و استونی) اشاره کرد. غنی زاده به تازگی اولین اثر سینمایی خود را به نام «مسخره باز» به تهیه کنندگی علی مصفا با بازی علی نصیریان، هدیه تهرانی، فرهاد اصلاتی، صابر ابر و بابک حمیدیان، محسن حسینی، مهدی کوشکی، خسرو بامداد، ایرج ذبیحی به پایان رسانده که قرار است در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر برای اولین بار به نمایش دربیاید.



## نگاهی به فیلم «گرگ بازی» | گنگ بازی های پارادوکسیکال | مجتبی اردشیری

رویه اصرار می ورزد. اصراری که با توجه به بی معنا بودن مقوله «پایان باز»، تنها یک معنا می تواند داشته باشد و آن، در پیش گرفتن سیاقی جدید در ژانر گمنام سینمای ایران است که اگر این گونه باشد قطعاً توفیقی حاصل نمی آید هم چنان که فیلم با این میزان ستاره نتوانسته به اقبالی در گیشه نائل آید.

جالب تر آن که، فیلمنامه هیچ تمهیدی برای «تعلیق» به عنوان ابتدایی ترین اسلوب رایج آثاری از این دست نیاندیشیده است. موسیقی پس زمینه فیلم که تنها مولفه استاندارد آثار رازآلود است، در این فیلم حکم تعلیق را دارد و گرنه فیلمنامه فاقد داستانتک آن چنانی نتوانسته چاشنی تعلیق را به مخاطبش القاء کند. هر چند تلاش بسیاری کرده تا با درگیر نشان دادن هر یک از کاراکترهایش، داستانتک هایی فرعی را وارد گود داستانی کند اما بی نتیجه ماندن آن روابط و مهم تر از آن، بی ارتباط بودن آن درگیری ها به تم قصه و نامتنجاس بودن آنها با فضای رازآلود سبب شده تا تمام اینها الکن مانده و نطفه داستانتک برای تزریق تعلیق به شاکله داستانی بسته نشود. بنابراین مخاطب در «گرگ بازی» با یک خط مستقیم از روایت طرف است که حفره های روایی بسیار را به خود می بیند که اجازه نمی دهد چارت رازآلود بودن فضا، آن تاثیر شگرف را بر مخاطبش داشته باشد.

آن سوال انتهایی فیلم که «باید مشخص شود ما با بازیگران ماهری طرف هستیم یا با یک بازی بزرگ»، شالوده کلیت فیلم است. فیلم، هم چنان که پاسخ روشنی به ما نمی دهد بلکه قواعد تبخیر یا بزرگ بودن را نیز به تصویر نمی کشد. همواره ورود مهمانان ناخوانده به یک جمع آشنا، شروع خوبی برای یک داستان با تم وحشت بوده اما در «گرگ بازی»، نه شخصیت پردازی مهتره ها قابلیت ارتجاع در یک فضای مسحور کننده را دارد و نه قواعد بازی بزرگ به چشم می خورد. آن ابهام های سرخوشانه، طوری بر کلیت فیلم چنبره زده که نه تنها داستان را با سوال های منطقی بی شمار مواجه می کند بلکه بر فرآیند مفهومی فیلم نیز اثر گذاشته و حجم گسترده ای از گنگی را به مخاطبش حواله می کند.

«گرگ بازی» در خلاء فیلم های رازآلود سینمای ایران، اثر قابل دفاعی محسوب نمی شود. علیرغم تلاش بسیار کارگردان در بهره مندی از کنتراست قهوه ای تند و البته فضا سازی بصری سایه روشن، فیلم هیچ علاقه ای به المان های رایج و استاندارد این گونه از خود نشان نمی دهد. گرچه همین شکل اجرایی فیلم، نقطه قوت فیلمی محسوب می شود که پاشنه آشیل های بسیاری را در جنس روایت به خود می بیند. نخستین ساخته عباس نظام دوست سرشار از پارادوکس های روایی و منطقی است. از یک سو، بی محابا در پی شناساندن کاراکترهای خود به مخاطب است و از سوی دیگر، بی آن که سیکل بازی را برای مخاطب خود روشن کند، وارد گرمای بازی می شود. حال آن که مخاطب، نه کاراکترها را شناخته و نه در جریان چند و چون بازی قرار گرفته است. فیلم در حالی شبه لیبرو نشان می دهد که برای چنین بازی هوشمندانه ای، کاراکترهای باهوشی در نظر نگرفته است. از مغز متفکر گروه که کارگردان تئاتر است (نگار جواهریان) تا دکتر عصا قورت داده فیلم (علی مصفا) و رفیق مرموز او (مرتضی) هیچ یک گامی فراتر از حدس های ابتدایی اثر بر نمی دارند. این موازنه هوشمندی در هیچ یک از کفه های روایت دیده نمی شود؛ نه قربانیان و نه کسانی که این بازی را به راه انداخته اند. شدت حماقت میزبانان به اندازه ای است که حتی پس از مشخص شدن قضیه قتل و لو رفتن نقشه دکتر و مرتضی، هم چنان در بهت فرو رفته و نمی توانند گره گشایی کنند.

البته مورد عجیب فیلم، ابهام های عامدانه ای است که در چندین مورد به چشم می خورد. از خط سیر محوری داستان که ورود دکتر، هما (هایه توسلی) و مرتضی به غائله گروه تئاتر است تا ماجرای ردیف کردن خانه بالا، اهداف و انگیزه ها و اینکه اصلاً دکتر که بود که در آن بیمارستانی که چند نفر وی را با نام دکتر خطاب قرار داده اند، مورد شناسایی قرار نگرفته و ... همه ابهام هایی است که اصل قصه را مخدوش می کند. فیلمنامه نه تنها برای این حجم ابهام پاسخی ندارد بلکه تا پایان بر همین

### گرگ بازی ★

#### ● کارگردان:

عباس نظام دوست

#### ● بازیگران:

نگار جواهریان (پرستو)  
علی مصفا (دکتر)  
هایه توسلی (هما)  
سعید چنگیزیان (مهران)  
سهیلا گلستانی (مینا)  
امیر حسین قدسی (کاوه)  
مهسا علاقر (سپیده)  
فهیمه امن زاده (لیندا)  
احسان گودرزی (سعید)  
حمید پورآذری (مرتضی)  
ژرژ بطروسی (بازپرس)  
منوچهر زنده دل (بازپرس)  
محمد رضا مالکی (بازپرس)

#### ● فیلمنامه:

عباس نظام دوست  
مجید اسلامی  
علی نعمت‌اللهی

#### ● تاریخ اکران: ۲ آبان ۱۳۹۷

● فروش: ۱,۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان

#### ● خلاصه داستان:

چند دوست قدیمی یک شب در خانه موروثی یکی شان جمع می شوند که با ورود مهمانان تازه وارد به جمع، ماجراهای عجیبی رخ می دهد.





## نگاهی به فیلم «بمب، یک عاشقانه» | چنگ به شهرم همیشه چنگ

نخستین عاشق و دلباخته یکدیگر می شوند و به همین دلیل باز هم بمباران و مردن برایشان بی اهمیت است، چرا که آن ها می خواهند همدیگر را «ببینند».

فیلم در سه بخش متفاوت از یکدیگر روایت می شود. نخست: ماجرای رابطه ایرج و میترا و سردی حاصل از این رابطه. دوم: حاشیه های درون مدرسه که اساسا سکانس های مربوط به این قسمت، دچار تغییر اساسی در لحن است و تا حد زیادی به سمت «کمدی سیاه» می رود و گرچه بازی سیامک انصاری متفاوت تر از همیشه از آب درآمده و خوش درخشیده اما قسمت های کلی این سکانس، تافته جدا بافته ای در فیلم شده اند. و سوم: عاشقانه ای که در پناهگاه میان سعید و سمانه برقرار می شود. مهم ترین ویژگی این سه روایت موجود در فیلم این است که بایستی از اتصال و یکپارچگی شان، نتیجه گیری منطقی و روایی حاصل شود که متأسفانه این امر با وجود ضرباهنگ نامناسب و لکننت لحن در برخی از سکانس های به خوبی به حاصل نمی شود.

مشکل در جایی است که فیلمساز به قدری پشت حرف های «اجتماعی» و «پیام های اخلاقی» اش سنگر گرفته و به هر نحوی سعی در انتقال آن داشته که به کل از شخصیت های قصه و پرداختشان عقب مانده است. کاراکترها در فیلم ساخته می شوند، اما ابا دارای «شناسنامه» نیستند. بعید می دانم که فیلمساز ما خودش هم بتواند انتخاب کند که هدف نخست و اصلی اش چه بوده است. دغدغه و بیان «مسائل اجتماعی» و مشکلات موجود در دهه شصت یا نگاهی «عاشقانه» در دل چنگ؟ نگارنده سخت عقیده دارد که صاحب اثر میان این دو گیر کرده است. اما در نظر بگیرید که از ابتدا تا انتها «فقط و فقط» به روی شخصیت های اصلی و فرعی قصه تمرکز بیشتر و پرداخت بهتری به روی آن ها صورت می گرفت. آن وقت چه اتفاقی می افتاد؟ هم حرف های اجتماعی و بیانه طور کارگردان به دل می نشست و هم عاشقانه اش کاملاً دیده می شد.

آخرین اثر پیمان معادی فیلم خوبی نیست. بد هم نیست. می توانست بهتر از این ها باشد. عاشقانه است و جنگی. بازی های نسبتاً قابل قبولی دارد. پس از «برف روی کاج ها» و حال با «بمب، یک عاشقانه» فیلمسازی معادی در آستانه یافتن جایگاه خاص خودش است. سینمایی که به شرط پیشرفت های اساسی تر، نتیجه بهتری خواهد داشت.



### ● مهدی تیموری

«بمب، یک عاشقانه» قطعاً فیلم کاملی نیست. نکات مثبتی در نوع خود دارد که آن را از خیلی از فیلم های بی و سر ته جشنواره سی و ششم در ردیف جلوتری قرار می دهد، اما این نکات برای تبدیل شدن به یک فیلم «خوب» و «تمیز» کافی نیست. در این فیلم، شاهد یک عاشقانه متفاوت در دل جنگ هستیم. فیلمی که تلاش می کند «ضد جنگ» باشد. طبق انتظارات و با توجه به نام فیلم - که البته بسیار رو و خنثی است - فیلمساز ما را با روایت عاشقانه اش در سال های جنگ و بمباران ها رودررو می کند. قصه ای که در سال های ملتهد و اوج رخدادهای جنگی کشور به ویژه در پایتخت رخ می دهد.

وایسین فیلم معادی در مقام کارگردان، روایتگر دو قصه عاشقانه به صورت موازی است که خواسته یا ناخواسته گره خوردگی هایی با یکدیگر دارند. کارگردان، این بار و بر خلاف اثر قبلی اش، مخاطبان را با جغرافیای گسترده تری مواجه می کند. اگرچه در «برف روی کاج ها» بعضاً شاهد ضعف های اساسی در میزانشن و کارگردانی بودیم - به عنوان مثال باز بودن درب خانه مهنزافشار به روی همه با توجیه حجاب اجباری این کاراکتر در خانه! - اما خوشبختانه در «بمب، یک عاشقانه» خبری از این موضوعات نیست.

«بمب، یک عاشقانه» روایتگر زندگی مشترک سرد و بی روح میترا و ایرج است که احتمالاً چیزی به انتهای آن باقی نمانده است. سکوت حاکم بر زندگی زوج اصلی قصه، چنان محکم و پابرجاست که حتی بمباران و آژیر خطر... هم توانایی شکستن آن را ندارد و این دو تنها به رفتن زیر پتوهایشان اکتفا می کنند! نکته اصلی قصه همین جاست. در طبقه سوم ساختمان، ایرج و میترا می هستند که کاری به هم ندارند و از قضا در زیرزمین همان جا و در شبی از شب های بمباران یکی از همسایه ها خواهر و خواهرزاده اش را که از ترس جنگ به تهران پناه آورده اند به آن مکان می آورد و این آغاز همان عشق نابی است که قسمت دوم نام این فیلم از آن گرفته شده است: «یک عاشقانه». کاراکترهای سعید و سمانه با ظرافت های موثر و قابل تامل کارگردان، هر دو به خوبی توانسته اند از پس اجرای نقش هایشان بر بیایند. تفاوت میان کاراکترهای ایرج و میترا / سعید و سمانه هم در نوع خود جالب است. زوجی که از یکدیگر سرد شده و هیچ چیز برایشان اهمیتی ندارد. از سوی دیگر دو جوانی که با همان نگاه

### ★ بمب، یک عاشقانه

#### ● نویسنده و کارگردان:

پیمان معادی

#### ● بازیگران:

لیلا حاتمی  
پیمان معادی  
سیامک انصاری  
حبیب رضایی  
سیامک صفری  
رامین پورایمان  
بهادر مالکی

#### ● مدیر فیلمبرداری:

محمود کلاری

#### ● تدوین:

بهرام دهقانی

#### ● موسیقی:

النی کاریندرو

#### ● تاریخ اکران: ۱۴ آذر ۱۳۹۷

#### ● فروش: ۱,۳۶۵,۰۰۰,۰۰۰ تومان

#### ● خلاصه داستان:

در بحبوحه ی جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷، تهران بی وقفه بمباران می شد. عشق، محبت، امید، زندگی و ترس از مرگ را در روزهای پر اضطراب آن زمان برای مردمی که درگیر جنگ بودند از بین می برد. اغلب عشق به سختی درک می شود اما مرگ واقعیتی است ترسناک. «بمب؛ یک داستان عاشقانه» نشان می دهد که عشق و امید چطور حتی در مواجهه با تاریکی مرگ، راهشان را پیدامی کنند.



## گزارش اختصاصی «گوهر دشت» از روند صفر تا صد تولید «مرد ایرلندی» جدیدترین ساخته مار تین اسکورسیزی

### جایی برای پیر مردها «دشت»! | مهدی تیموری

درست اواخر اسفندماه سال پیش بود که خبر آمد: «فیلمبرداری مرد ایرلندی آقای اسکورسیزی به اتمام رسید». گزاره ای که به جرات حتی بیش از خبر شروع پیش تولید و تولیدش برای سینه فیل ها و دوستداران آقای اسکورسیزی هیجان انگیز تر بود؛ چرا؟ کمی فکر کنید چرایی واضحی دارد. مار تین اسکورسیزی از سال ۲۰۰۴ قصد ساخت «مرد ایرلندی» را داشت که هر بار به دلایلی اعم از نبود تهیه کننده و بودجه، تقویم شلوغ کاری و بازنویسی های چندین و چندباره و... مانعی بر سر ساخت آخرین اثر این کارگردان شهیر هالیوودی بود و اما اولین باری که خبرهایی مبنی بر همکاری دوباره او در این فیلم با «رابرت دنیرو» پس از سال ها و اولین حضور «آل پاچینو» مقابل دوربین او مطرح شد به اوایل سال های ۲۰۰۸ بر می گردد. فکرش را بکنید. چه چیزی هیجان انگیز تر از این؟ یک فیلم گنگستری با حضور رابرت دنیرو و آل پاچینو و البته مهم تر از همه این ها: به کارگردانی دایره المعارف زنده سینما، آقای «مار تین اسکورسیزی». از دیگر نکات جالب این فیلم، حضور «بهمن قبادی» به عنوان بازیگر در برخی از سکانس های کوتاه این فیلم است. به همین جهت، در این شماره از «گوهر دشت» به بررسی صفر تا صد روند تولید آخرین اثر پیر مردهای محبوب و درجه یک هالیوود می پردازیم که خواندنش خالی از لطف نخواهد بود.

تأمین بودجه ۱۴۰ میلیون دلاری (تقریبی) از عوامل اصلی در این همکاری بوده اند. گفتنی است که بودجه این فیلم چندین بار در مراحل تولید افزایش یافت. ابتدا مبلغی حدود ۸۰ میلیون دلار برای تأمین سرمایه ساخت این اثر در نظر گرفته بودند که با توجه به جلوه های ویژه و طولانی تر شدن زمان فیلمبرداری نهایتاً این عدد به مبلغ بالای ۱۴۰ میلیون دلار رسید که از این حیث، پرهزینه ترین فیلم کارنامه مار تین اسکورسیزی است.

● «بابی» و «آل» جوان می شوند!  
«گاستون پاولویچ» یکی از تهیه کنندگان، در همان روزهای واپسین پیش تولید خبر جذابی را تیتروژنامه ها و مجلات سینمایی کرد: «در این فیلم نسخه جوانی از رابرت دنیرو را با کمک جلوه های کامپیوتری روی پرده سینما می آوریم». او با فوق العاده خواندن این تکنولوژی اظهار داشت که دیگر نیازی به گریم های سنگین، زمان بر و پرهزینه و پر اضطراب نخواهد بود. البته او با بیان این نکته اشاره کرده بود که: «دنیرو تنها بازیگر جوان این فیلم نخواهد بود و اکثر کاراکترهای این فیلم مشمول این قضیه خواهند شد». پس ما باید خوشحال باشیم که بار دیگر می توانیم در قصه ای جدید و جذاب، سیما و شمایل دهه هفتادی و جوانی دنیرو و پاچینو را ببینیم.

● ۲۰۱۹؛ سال اکران  
چیزی به آغاز سال ۲۰۱۹ میلادی باقی نمانده است. به نظر می رسد که کارهای پس تولید «مرد ایرلندی» رو به اتمام است و این اثر قطعاً در سال آینده اکران خواهد شد. به عبارتی، لحظه شماری برای تماشای آخرین حرف «مارتی» از همین لحظه شروع شده است...

فیلم کلاسیک و شاهکاری چون «رفقای خوب» وجود دارد؟ گفت: «این فیلم متفاوت است. البته من تأیید می کنم که همان مفاهیم هم وجود دارند. شکی وجود ندارد که «رفقای خوب» و «کازینو» سبک مشخصی داشتند اما این بار کمی اوضاع متفاوت تر از پیش است.

● بازگشت «جو پشی» و خلاصه داستان  
«مرد ایرلندی» در حالی نهمین همکاری رابرت دنیرو با آقای کارگردان پس از وقفه ۲۳ ساله از حضور وی در آثار اسکورسیزی است که از اعلام رسمی آغاز پیش تولید این فیلم و پس از چند جلسه از شروع فیلمبرداری آن، خبر آمد که: «جو پشی هم به مرد ایرلندی پیوست». او که از بازیگران مطرح، گزیده کار و باتجربه هالیوود محسوب می شود، پیش از این در سه فیلم «گاو خشمگین» (۱۹۸۰)، «رفقای خوب» (۱۹۹۰) و «کازینو» (۱۹۹۵) با مار تین اسکورسیزی همکاری داشته و درصد بسیاری از جایگاه والایش در هنر را مدیون وی است. به همین جهت بازگشت جدی او به دنیای بازیگری پس از دهه نود با این فیلم از جذابیت های زیادی برخوردار خواهد بود. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «فرانک شیران (رابرت دنیرو) قاتل حرفه ای است که با خانواده مافیایی بوفالینو «جو پشی» ارتباط دارد. او کسی است که بیش از همه برای قتل جیمی هوف (آل پاچینو) شناخته می شود...»

● همکاری با «نت فلیکس»  
اسکورسیزی این فیلم را با سرمایه گذاری «نت فلیکس» ساخته است. از آثار مشهور این شرکت تازه تاسیس - نسبت به دیگر رقاباش - سریال «خانه پوشالی» بوده است. جلوه های بصری سنگین و گرانیقیمت و نیاز به

● ترکیبی از «رفقای خوب» و «کازینو» در راه است؟  
«مرد ایرلندی» پس از «دیپارتد» (۲۰۰۶) نخستین فیلم گنگستری، ژانر محبوب استاد در ۱۳ سال گذشته محسوب می شود. او در این سال ها، «جزیره شاتر» در ژانر ترسناک و معمایی، «هوگو»ی ماجراجویانه و بیوگرافی محور، «گرگ وال استریت» تلفیق دیوانه واری تاریخی - مذهبی را ساخته و روانه پرده جادویی کرده بود. به عبارتی، بازگشت او به دنیای گنگستری و مافیایی اش برای عشاق سینما بسیار هیجان انگیز خواهد بود.

استیون زایلین فیلمنامه «مرد ایرلندی» را بر اساس کتاب «ششیده ام خانه ها را رنگ می زنی» اثر چارلز برنت به رشته تحریر در آورده است. او پیش از این در سال ۲۰۰۲ در فیلم «دار و دسته های نیویورکی» با اسکورسیزی به عنوان فیلمنامه نویس همکاری داشته و ترکیب عوامل این فیلم سینمایی از فیلمنامه نویس، فیلمبردار و تدوینگر تا... نوید یک فیلم گنگستری پر انرژی، پر شور و پر از جزئیات را به علاقمندان سینما می دهد. چندی پیش در بسیاری از سایت های خبری نقل شد که احتمالاً این فیلم ترکیبی از دو اثر گذشته مار تین «رفقای خوب» و «کازینو» در دهه ۹۰ است که البته اسکورسیزی مدتی بعد طی گفتگویی با ایندپندنت گفت: «افراد دیگری که در «مرد ایرلندی» حضور دارند هم مسن تر هستند و مطمئناً با نگاهی به گذشته، زندگی این مردان روایت و انتخاب هایی که باید انجام می دادند مطرح می شود. این فیلم می تواند بسیار ظریف تر و هوشمندانه تر از آثار گذشته باشد.»

اسکورسیزی در پاسخ به این پرسش که آیا با توجه به سن بالای خودش و بازیگران اصلی اش امکان ساخت

## فهرست نهایی نامزدهای دوازدهمین جشن منتقدان اعلام شد

### «مغزهای کوچک زنگ زده» در صدر

فهرست نهایی نامزدهای دوازدهمین جشن منتقدان اعلام شد. به گزارش «خوبهردشت» اسامی نامزدهای دوازدهمین جشن بزرگ منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران بر اساس جمع بندی آرای اعضای آکادمی اعلام شد و بر این اساس فیلم «مغزهای کوچک زنگ زده» ساخته هومن سیدی با ۱۳ مورد در صدر جدول نامزدها قرار گرفت و فیلم های «شعله ور» ساخته حمید نعمت اله و «تنگه ابوقریب» به کارگردانی بهرام توکلی به ترتیب با ۱۰ و ۹ مورد در رده های بعدی ایستادند. دو فیلم «بمب، یک عاشقانه» و «عرق سرد» هم به طور مشترک با ۸ مورد رده چهارم جدول نامزدها را از آن خود کردند. اسامی کامل نامزدهای هر ۱۴ رشته به شرح زیر است:

#### ■ نامزدهای بهترین فیلم:

- |                     |                              |   |
|---------------------|------------------------------|---|
| شعله ور             | سارا بهرامی (دارکوب)         | مهدی سعدی و هومن سیدی (مغزهای کوچک زنگ زده) |
| مغزهای کوچک زنگ زده | لیلا حاتمی (بمب، یک عاشقانه) | مهراد خوشبخت (به وقت شام)                   |
| بمب، یک عاشقانه     | شبنم مقدمی (خجالت نکش)       | بهرام دهقانی / محمد نجاریان (عرق سرد)       |
| عرق سرد             | سحر دولتشاهی (امیر)          | مهدی سعدی (شعله ور)                         |
| کامیون              |                              |   |
| سرو زیر آب          |                              |   |

#### ■ نامزدهای بهترین کارگردانی:

- |                                 |                                      |
|---------------------------------|--------------------------------------|
| بهرام توکلی (تنگه ابوقریب)      | ■ نامزدهای بهترین بازیگر نقش مکمل زن |
| حمید نعمت اله (شعله ور)         | لیلی رشیدی (عرق سرد)                 |
| ابراهیم حاتمی کیا (به وقت شام)  | سحر دولتشاهی (عرق سرد)               |
| محمدعلی باشه آهنگر (سرو زیر آب) | هدی زین العابدین (عرق سرد)           |
| هومن سیدی (مغزهای کوچک زنگ زده) | لادن ژاوه وند (مغزهای کوچک زنگ زده)  |
| پیمان معادی (بمب، یک عاشقانه)   | نگار عبدی (دارکوب)                   |

#### ■ نامزدهای بهترین فیلمنامه:

- |  |  |
|--|--|
| حمید نعمت اله / هادی مقدم دوست (شعله ور) | ■ نامزدهای جایزه خلاقیت و استعداد درخشان |
| پیمان معادی (بمب، یک عاشقانه)            | (فیلمسازان اول):                         |
| هومن سیدی (مغزهای کوچک زنگ زده)          | درساژ (پویا یادکوبه)                     |
| کامبوزیا پرتوی (کامیون)                  | خجالت نکش (رضا مقصدی)                    |
| سهیل بیرقی (عرق سرد)                     | امیر (نیما اقلیما)                       |
| محمدعلی باشه آهنگر (سرو زیر آب)          |  |

#### ■ نامزدهای بهترین بازیگر نقش اول مرد

- |                                     |                                       |
|-------------------------------------|---------------------------------------|
| امین حیایی (شعله ور)                | ■ نامزدهای بهترین فیلمبرداری:         |
| جواد عزتی (تنگه ابوقریب)            | حمید خصوعی ایبانه (تنگه ابوقریب)      |
| نوید محمدزاده (مغزهای کوچک زنگ زده) | پیمان شادمان فر (مغزهای کوچک زنگ زده) |
| سعید آقاخانی (کامیون)               | علیرضا زرین دست (سرو زیر آب)          |
| رضا عطاران (مصادره)                 | روزبه رایگا (شعله ور)                 |
| امیر جدیدی (عرق سرد)                | مهدی جعفری (به وقت شام)               |
| میلاد کی مراد (امیر)                |                                       |

#### ■ نامزدهای بهترین بازیگر نقش مکمل مرد

- |                                    |                            |
|------------------------------------|----------------------------|
| امیر جدیدی (تنگه ابوقریب)          | ■ نامزدهای بهترین تدوین:   |
| فرهاد اصلانی (مغزهای کوچک زنگ زده) | میثم مولایی (تنگه ابوقریب) |
| نوید پورفرج (مغزهای کوچک زنگ زده)  |                            |
| سیامک انصاری (بمب، یک عاشقانه)     |                            |
| هادی حجازی فر (لاتاری)             |                            |

#### ■ نامزدهای بهترین بازیگر نقش اول زن

- |                       |  |
|-----------------------|--|
| باران کوثری (عرق سرد) |  |
|-----------------------|--|



\*\*\*

دوازدهمین جشن بزرگ سینمای ایران ۲۷ آذر به دبیری جعفر گودرزی در ایوان شمس برگزار می شود.

# کیک گالری ارغوان

پیشاپیش  
یلداتون مبارک!

«کیک گالری ارغوان» افتخار دارد بار دیگر در جشن زیبای شب یلدا در کنارتان باشد و کامتان را شیرین کند.

تمامی سفارشات کیک، شیرینی و کوکی های مناسب با تم یلدایی پذیرفته می شود. جهت مشاهده مدل ها به کانال یا صفحه اینستاگرام مراجعه کنید.

۰۹۱۲-۲۶۱۸۰۶۴

  Arghavan\_Cakegallery

